

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه دوم ۱۳۹۸/۰۳/۲۴

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيما على امير المؤمنين والصديقة الطاهرة سيده نساء العالمين والحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة و على بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن علي و على بن محمد والحسن بن علي و الخلف الهادي المهدي القائم حججك على عبادك و امنائك في بلادك و صل على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

در خطبه‌ی دوم، پس از توصیه به تقوا که وظیفه همه ماست و در همه جمعها باید این توصیه انجام بگیرد و امیدواریم خدای متعال عمل به این توصیه را روزی همه ما بفرماید، به اختصار مطلبی درباره موضوع خانواده عرض میکنیم.

نهادی که بیش از همه در پیشگاه خداوند محبوب است، نهاد خانواده است. ازدواج به عنوان تشکیل دهنده خانواده، محبوبترین پیوند و طلاق به عنوان برهم زننده این نهاد، از مبعوضترین حلالهاست. رسول خدا «ص»: «چیزی در نزد خداوند عزوجل محبوبتر از خانه‌ای نیست که در اسلام به وسیله ازدواج آباد گردد و چیزی هم در نزد خداوند عزوجل مبعوضتر از خانه‌ای نیست که در اسلام به وسیله جدایی؛ یعنی طلاق خراب شود» خداوند هر کسی را که گامی در جهت جدایی یا ایجاد مشکل در این نهاد بردارد، شایسته خشم و لعنت خویش در دنیا و آخرت و سختترین عذابها می‌داند.

رسول خدا «ص»: «هر کسی که کاری در جهت جدایی میان زن و شوهر انجام دهد، خشم خدا در دنیا و آخرت بر او خواهد بود و بر خداست که [در روز قیامت] هزار صخره آتش بر او بیفکند. اگر هم در مسیر ایجاد فساد و [اختلاف] در میان آنها گام بردارد؛ اما آنها را از هم جدا

نکند، باز هم در دایرهٔ خشم الهی بوده و خداوند در دنیا و آخرت او را لعنت نموده و نگاه [رحمت خویش] به روی او را حرام می‌کند»

باید به قواعدی که بنیان خانواده را مستحکم می‌کند اهمیت ویژه داد. آیا آنچه در نزد خداوند محبوب است، در کنار هم بودن یک زن و مرد به عنوان زن و شوهر است؟ یا خانواده‌ای که با استفاده از تفاهم و همدلی، راه آفرینش را با آرامش هر چه بیشتر طی کند؟

اصلی‌ترین ثمرهٔ زندگی مشترک فرزند است. ثمره‌ای که می‌تواند انسان را به سعادت برساند. رسول خدا(ص): «فرزند صالح از سعادت انسان محسوب می‌شود» و زندگی را برای او تبدیل به بهشت کند. رسول خدا(ص): «فرزند صالح دسته‌گلی از گل‌های بهشت است»

از آن سو فرزند بد، زندگی را برای انسان تبدیل به جهنم می‌کند و لکهٔ ننگی برای پدر و مادر خویش می‌شود. علی(ع): «فرزند ناشایست، شرافت را از بین می‌برد و نیاکان را بد نام می‌کند»

بسیاری به دنبال پیدا کردن راهی هستیم که بتوانیم به بهترین و راحت‌ترین شیوه، فرزندان سالم و صالحی را تربیت کنیم. تربیت موفق فرزند و فرزند موفق در گرو ایجاد فضایی صمیمی و جذاب در خانواده است. پدر و مادری که نتوانند محیطی را در خانه ایجاد کنند که فرزندان در آن احساس آرامش و خوشبختی کند، زمینهٔ گرایش فرزند به محیط خارج از خانه را فراهم می‌کنند. فرزندی که از محیط خانواده، فراری است و به محیط بیرون علاقهٔ بیشتری پیدا می‌کند؛ فرزندی که رابطهٔ صمیمی را به جای اینکه با پدر و مادر تجربه کند با دوست خود برقرار می‌کند، فرزندی که درددل‌ها و مشکلات خود را در محیط رفاقت مطرح و از باز کردن سفرهٔ دل خویش در نزد پدر و مادر پرهیز می‌کند؛ تربیت او هم به عهدهٔ محیط خارج از خانه خواهد بود و پدر و مادر در این میانه کمترین نقش را ایفا می‌کنند و این یک زنگ خطر است. فضای بیرون محیط امنی نیست. محیط خارج از خانواده پُر از عواملی است که ممکن است فرزند ما را از هستی ساقط کنند.

اولین و مهم‌ترین عامل برای جذاب شدن محیط خانه، وجود یک ارتباط صمیمی و محبت‌آمیز میان پدر و مادر است. رابطه تنش‌آلود و خشن میان پدر و مادر، بیش از فقر و تنگناهای اقتصادی بر روح فرزند اثر منفی می‌گذارد. فرزند در سنینی که نمی‌تواند مفهوم بسیاری از سختی‌ها مثل فقر را بفهمد، به راحتی فرق بین رابطه خوب و رابطه بد میان پدر و مادر را درک می‌کند. دعوی پدر و مادر حتی در سنین پایین هم بر روح و ذهن کودک اثر منفی می‌گذارد.

هر چه میان پدر و مادر تنش بیشتری وجود داشته باشد، احتمال ناخلف شدن فرزند هم بیشتر است. چه کنیم که محیط خانه از خطر بگو مگوها مصون باشد؟ با رعایت نکته‌هایی می‌توان بر صمیمیت رابطه بیفزایید تا زمینه جذابیت محیط خانواده را هر چه بیشتر فراهم کنید.

در فرهنگ دینی معیارهای مختلفی برای سنجش خوب و بد بودن انسان‌ها ارائه شده است. با شناخت این معیارها می‌تواند میزان رشد و سقوط خود را در مسیر آفرینش تشخیص دهد. شیوه رفتار انسان در خانواده، از اصلی‌ترین معیارها برای سنجش رشد یا سقوط انسان است.

از نگاه دین، کسی که در زندگی مشترک، حقوق همسر خویش را ادا کند، از بهترین انسان‌ها و برعکس، هر که در رابطه با همسر خویش، اهل انجام وظیفه نباشد، از بدترین انسان‌ها محسوب می‌شود. رسول خدا (ص): «کسی که زنی داشته باشد که او را آزار دهد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی‌پذیرد تا وقتی که همسرش را کمک کند و رضایتش را جلب نماید. اگر این زن، تمام عمر روزه بگیرد و [به عبادت] بایستد و برده آزاد کند و اموالش را در راه خدا انفاق کند، [باز هم] اولین کسی خواهد بود که وارد آتش می‌شود». سپس حضرت فرمود: «در صورتی که مرد هم آزاردهنده و ظالم باشد، بر او نیز چنین بار سنگین و عذابی هست» باز هم ایشان فرمود: «آگاه باشید که بهترین شما، بهترین برای خانواده‌تان است و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم»

برخی از اختلاف می‌ترسند و وقتی با همسرشان دچار اختلاف می‌شوند، فکر می‌کنند زندگی به آخر رسیده است. از اختلاف نباید ترسید، زیرا اصل اختلاف امری طبیعی است که در بیشتر خانواده‌ها وجود دارد. وقتی دو انسان که هر کدام روحیه خاصی دارند، در کنار هم زندگی می‌کنند، بسیاری از کارها و تصمیم‌هایشان به هم گره می‌خورد. در این میان طبیعی است که در چند مورد از این کارها و تصمیم‌ها نتوانند با هم کنار بیایند و اختلاف پیش بیاید. پس اصل اختلاف، طبیعی است و ترس ندارد. آنچه مایه نگرانی است نوع برخورد با اختلاف است. مشکل این است که قواعد زندگی مشترک را بلد نیستند و نمی‌دانند چگونه باید با این اختلاف‌ها برخورد کنند.

(هدف آفرینش و نقش آن در زندگی مشترک) یادمان باشد که به دنیا آمده‌ایم تا به هدف آفرینش خویش یعنی خدایی شدن برسیم. راه خدایی شدن هم بندگی است: «وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: وَ جَنَّ وَّ اِنْسَ رَا نِيَا فَرِيْدِمَ جَزْ بَرَا يَ اَنَكِهَ مَرَا بِنْدَگِي كِنْتَنَد.»

زندگی مشترک بخش مهمی از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. زن و مرد بخش قابل توجهی از روز و شبش را برای همسر و فرزندان‌ش صرف می‌کند، اگر این مقدار از عمر را در مسیر بندگی قرار ندهد، از هدف آفرینش فاصله زیادی گرفته است.

باید به خاطر خدا زندگی کرد، گذشت کرد، سکوت کرد، فریاد کشید، کار کرد، آشپزی کرد و... شاید کامل‌ترین تعبیر درباره «زندگی به خاطر خدا»، تعبیر خود خداوند در قرآن باشد که به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بگو در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا و پروردگار جهانیان است.»

اگر مقصد زندگی خدا شد، خوشحالی‌ها و ناراحتی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و بسیاری از مفاهیم کلیدی زندگی، تعریف جدیدی پیدا می‌کند. شکست یعنی دور شدن و فاصله گرفتن از

مقصد که همان خداست، پیروزی یعنی نزدیک شدن و رسیدن به خدا. چه چیزی مرا خوشحال می‌کند؟ هر چیزی که مرا به خدا برساند. چه چیزی مرا آزرده خاطر می‌کند؟ هر چیزی که مرا از خدا دور کند.

اگر همسرم با عصبانیت با من برخورد کرد و من هم توانستم با حلم و بردباری پاسخش را بدهم، به هدف که همان خداست، نزدیک شده‌ام یا دور؟ حال که به او نزدیک شده‌ام، باید خوشحال باشم یا ناراحت؟ باید احساس شکست کنم یا پیروزی؟ اگر همسرم در حق من جفایی کرد، برای رسیدن به هدف باید او را ببخشم یا کینه‌اش را به دل بگیرم؟ اگر از خطای او گذشت کردم، باید خوشحال باشم یا ناراحت؟ باید احساس شکست کنم یا پیروزی؟ اگر در زندگیم مشکلی حل ناشدنی وجود داشت و یا حل شدنش به زمانی طولانی نیاز داشت و وظیفه من هم صبر بود، باید خوشحال باشم یا ناراحت؟ باید احساس شکست کنم یا پیروزی؟ اگر شوهر دستوری بر خلاف میل زن داد، اما از چیزهایی باشد که زن باید در آن امور تبعیت کند، زن باید خوشحال باشد یا ناراحت؟ باید احساس شکست کند یا پیروزی؟

اگر و اگر ... اگر هدف زندگی را فراموش نکنیم و برای همیشه به آن پایبند باشیم، در هر حالی و تحت هر شرایطی احساس خوشبختی خواهیم کرد. بدون این نگاه، هیچ‌کس نمی‌تواند طعم شیرین زندگی را بچشد، چون معنا و مفهوم واقعی زندگی جز بندگی خدا چیز دیگری نیست.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَنَا اعطیناک الکوثر، فصل لربک وانحر، ان شائتک هو الابتر.

وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ